

کارهای رسولان باب ۱

۱. تئوفیلوس عزیزم، من در اولین نامه خود درباره تمام کارها و تعالیم عیسی از ابتدا ۲ تا روزی که به وسیله روح القدس دستورات لازم را به رسولان برگزیده خود داد و به آسمان برده شد به تو نوشتم: ۳ و پس از مرگ، با دلایل بسیار، خود را زنده، به این افراد نشان داد و مدت چهل روز بارها به ایشان ظاهر شد و درباره پادشاهی خدا با آنها گفت و گو کرد. ۴ وقتی او هنوز در بین آنان بود به ایشان گفت: «اورشلیم را ترک نکنید بلکه در انتظار آن وعده پدر، که در خصوص آن به شما گفته بودم، باشید. ۵ یحیی با آب تعمید می داد، اما بعد از چند روز شما با روح القدس تعمید خواهید یافت.»

صعود عیسی مسیح

۶ پس هنگامی که همه دور هم جمع بودند از او پرسیدند: «خداوند، آیا وقت آن رسیده است که تو بار دیگر سلطنت را به اسرائیل بازگردانی؟» ۷ عیسی پاسخ داد «برای شما لزومی ندارد، که تاریخها و زمانهایی را که پدر در اختیار خود نگه داشته است، بدانید. ۸ اما وقتی روح القدس بر شما نازل شود قدرت خواهید یافت و در اورشلیم و تمام یهودیه و سامره و تا دورافتاده ترین نقاط عالم شاهدان من خواهید بود.» ۹ همین که عیسی این را گفت، در حالی که همه نگاه می کردند، بالا برده شد و ابری او را از نظر ایشان ناپدید ساخت. ۱۰ هنگامی که او می رفت و چشمان آنان هنوز به آسمان دوخته شده بود، دو مرد سفیدپوش در کنار آنان ایستادند ۱۱ و پرسیدند: «ای مردان جلیلی، چرا اینجا ایستاده اید و به آسمان نگاه می کنید؟ همین عیسی که از پیش شما به آسمان بالا برده شد، همان طوری که بالا رفت و شما دیدید، دوباره به همین طریق باز خواهد گشت.»

انتخاب جانشین یهودا

۱۲ آنگاه رسولان از کوه زیتون، که فاصله آن تا اورشلیم فقط یک کیلومتر است، به اورشلیم بازگشتند. ۱۳ به محض اینکه به شهر وارد شدند، به بالاخانه ای که محل اقامت آنان بود رفتند. پطرس و یوحنا، یعقوب و اندریاس، فیلیپس و توما، برتولما و متی، یعقوب فرزند حلفی و شمعون فدایی و یهودا فرزند یعقوب در آنجا بودند. ۱۴ اینان همه با زنها و مریم مادر عیسی و برادران او دور هم جمع می شدند تا وقت خود را صرف دعا نمایند. ۱۵ در آن روزها پطرس در برابر ایمانداران که عده آنان روی هم یکصد و بیست نفر بود ایستاد و گفت: ۱۶ «ای ایمانداران، لازم بود پیشگویی کتاب مقدس درباره یهودا، راهنمای دستگیر کنندگان عیسی، که روح القدس به زبان داوود نموده بود، به حقیقت بپیوندد، ۱۷ زیرا او یکی از ما بود و در مأموریت ما شرکت داشت. ۱۸ او با پولی که از بابت اجرت شرارت خود دریافت نمود، قطعه زمینی خرید و در آن با سر سقوط کرد و از میان پاره شد و تمام روده هایش بیرون ریخت ۱۹ و این امر به اطلاع جمیع ساکنان اورشلیم رسید و آن قطعه زمین را به زبان خودشان 'حقل دما' یعنی 'مزرعه خونین' نامیدند.» ۲۰ پطرس ادامه داد و گفت: «زیرا در کتاب زبور نوشته شده است:

'مسکن او ویران باد

و دیگر کسی در آن ساکن نشود.

و همچنین آمده است:

‘مأموریتش نیز به دیگری سپرده شود.’

۲۱ «بنابراین یک نفر که پیوسته در تمام مدتی که عیسی خداوند با ما رفت و آمد داشت، ۲۲ یعنی از روزی که یحیی به تعمید پرداخت تا روزی که عیسی از میان ما بالا برده شد، در جرگه ما بوده است باید به عنوان گواه بر رستاخیز او به جمع ما بپیوندد»

۲۳ آنگاه نام دو نفر را که یکی یوسف معروف به برسابا (که لقب یوستس هم داشت) و دیگری متیاس بود، برای این خدمت پیشنهاد کردند ۲۴ و دعا کرده گفتند: «ای خداوندی که از قلوب همه انسانها آگاهی، به ما نشان بده که کدامیک از این دو نفر را انتخاب کرده‌ای ۲۵ که جانشین یهودا بشود؛ زیرا که او سمت خدمت و رسالت خود را از دست داد تا به جایی که سرنوشت او بود برود.» ۲۶ پس قرعه انداختند و قرعه به نام متیاس درآمد و به این ترتیب او در شمار آن یازده رسول درآمد.